

بررسی نحوه اجرای مجازات ها جهت پیشگیری از جرم با توجه به ذهنیت محاسبه گر مجرمانه در ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

طیبه رضایی شورکی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

مجازات‌ها و نحوه اجرای آنها از جمله عوامل مهم و موثر در پیشگیری از جرایم مختلف می‌باشد. مجازات‌ها با نقشی که معادله معروف مجرمانه جرمی بتنام ایفا می‌کنند، در تصمیم‌گیری مجرمانه جهت ارتکاب جرم موثر هستند. میزان و شدت مجازات‌ها و نحوه اجرای آنها و میزان قطعیت و حتمیت در اجرای آنها از عواملی بوده است که در پیشگیری‌های ثانویه و پیشگیری‌های ظاهری در جرم در مجرمین بالقوه بسیار اثرگذار بوده است. نظریه جرمی بتنام در این باره به طور کلی بیان می‌دارد که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازات‌ها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم‌گیری می‌کند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم می‌پردازد، قوانین کیفری کشور می‌باشند. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازات‌های قانونی، نیمه دیگر این محاسبه‌گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب می‌تواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری می‌باشند که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره

بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش ، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است ، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

مقدمه

از آنجایی که در جامعه کشور ایران، میزان بزهکاری و جرایم در هر شکل (چه جرایم خشن و چه جرایم یقه سفید) رقمی بالا بوده است و با توجه به اینکه اکثر مجرمینی که مرتکب جرایم گوناگون میگردند، ذهنیت محاسبه گر داشته و با اهرم عقلانیت کیفری، تصمیمی گیری کرده و بعد جرم را مرتکب میگردند، لازم است نگاهی انتقادی به حوزه قوانین و ابعاد مرتبط با قوانین جزایی کشور داشت تا بتوان با اصلاح قوانین جزایی، در ارتکاب بسیاری از جرایم ممانعت به عمل آورد. با توجه به اینکه در مورد نظریه آقای بنتام، عموماً پژوهشی که به زمینه های انتخاب عقلانی مجرمین پرداخته باشد، تاکنون وجود نداشته است، لذا این پژوهش دارای اهمیت بوده و میتواند نگاهی جدید را عرصه قانون گذاری و اجرای قوانین داشته باشد. هدف اصلی این تحقیق عبارتست از شناسایی عواملی که در انتخاب عقلانی و ذهنیت محاسبه گر مجرم اثر داشته و وی را در ارتکاب جرم به صورت عامل محرک ارتکاب جرم و یا مانع ارتکاب جرم، همراهی مینماید. سوال اصلی این است که؛ اجرای مجازاتها و نحوه اجرای آنها چه تاثیری در پیشگیری از جرایم با توجه به عقلانیت کیفری مجرمین دارد؟

بخش اول: مفهوم شناسی

مکتب کلاسیک: یکی از اولین مکاتب حقوقی جزایی کیفری بوده است که در ایجاد تحولات کیفری نقش بسزایی داشته است. از اندیشمندان و پایه گذاران این مکتب حقوقی میتوان به منتسکیو^۱، ژان ژاک روسو^۲، سزار بکاریا^۳، جرمی بنتام^۴ اشاره نمود. مطالعه دقیق تاریخ حقوق جزا نشان می دهد که حقوق جزا هم مانند سایر بخش های علم حقوق راه توسعه

^۱ شارل دو منتسکیو ۱۶۸۹-۱۷۵۵ فرانسه.

^۲ ژان ژاک روسو Jean-Jacques Rousseau ۱۷۱۲-۱۷۷۸ ژنو.

^۳ سزاره بکاریا ایتالیایی Cesare Beccaria؛ ۱۵ مارس ۱۷۳۸ - ۲۰ نوامبر ۱۷۹۴

^۴ جرمی بنتام Jeremy Bentham ۱۷۴۸-۱۸۳۲ فیلسوف، حقوقدان و اصلاح گر اجتماعی انگلیسی بود. او به عنوان بنیانگذار سودمندگرایی مدرن شناخته می شود





و تکامل خود را تحت تاثیر تحولات اجتماعی و توسعه های علمی پیموده است. ولی در این میان سهم و تاثیر عقاید و افکار فلسفی اواخر قرن ۱۸ میلادی از هر عامل دیگری بیشتر بوده است. به این دلیل بعضی از حقوق دانان کیفری مبدا پیدایش مکتب کلاسیک حقوق جزا را به زمان انتشار کتاب روح قوانین منتسکیو به سال ۱۷۴۸ میلادی می دانند و او در این کتاب مجازاتهای آن عهد را که از انتقام اجتماعی الهام می گیرد به شدت مورد انتقاد قرار داده است و در مورد ارزش نسبی قوانین جزایی سخن گفته است. به طوری که قوانین و مقررات جزایی هر کشور بایستی با نهادهای اجتماعی و تحول موسسات سیاسی و اجتماعی همان ملت متناسب و هماهنگ باشد و با مجازات های شدید و رسوا کننده مخالفت می کند و معتقد به مجازاتهای ملایم و اجرای حتمی و قطعی آنهاست.^۱ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳) اندیشمند بعدی در مکتب کلاسیک ژان ژاک روسو بود. در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. کتابهای او هلوئیز جدید، امیل و قرار داد اجتماعی است. به اعتقاد روسو، انسان ذاتا آزاد از قید و بندهای اجتماعی است زیرا آزاد به دنیا آمده اما چون بناچار در اجتماع زندگی می کند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمانی تفویض می کند که از آن جمله حق مجازات است و لذا اگر جرمی واقع شود جامعه است که مجازات می کند و نه فرد، لذا مجازاتها باید طوری باشد که فایده اجتماعی داشته باشد، البته روسو مجازاتهای شدید چون اعدام را نفی نمی کند اما در مجازات به خشونت زیاد اعتقاد ندارد.^۲ (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۴۹) اندیشمند دیگر در مکتب کلاسیک سزار بکاریا میباشد. بکاریا در ۱۵ مارس ۱۷۳۸ میلادی در میلان ایتالیا به دنیا آمده و بعد از بازدید از زندانهای میلان به امید نجات بی گناهی به مطالعه و تحقیق در نظام قانون گذاری کیفری پرداخت و پس از ده سال در سال ۱۷۶۴ کتاب کوچکی به نام جرائم و مجازاتها را نوشت که در سال ۱۷۶۶ در فرانسه منتشر شد و ظرف ۶ ماه هفت بار به چاپ رسید. به طور کلی اصول فکر بکاریا عبارتند از: الف - ضروری بودن مجازاتها: جامعه به قانون گذار طبق قرار داد اجتماعی قدرت می دهد. ولی این

^۱ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳

^۲ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۴۹

قدرت در هنگام تصویب قوانین باید به نفع جامعه توجه داشته باشد. امتیاز این کار جلوگیری از تکرار جرم مجرمان در آینده می باشد. او کیفری را درست می داند که بتواند آرامش اجتماع را تضمین کند و کیفری را که از حد لازم برای سلامت اجتماع بیرون رود نادرست است. ب - یقینی بودن و قاطعیت مجازات: به طوری که می نویسد این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می کند بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات می باشد. و برای اینکه مجازات تاثیر خوبی داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می شود. پ - فایده اجتماعی مجازات: با توجه به اینکه نظم اجتماعی با ارتکاب جرم مختل شده است باید کیفری برای آن پیشبینی کرد، اما این مجازات باید اولاً فردی و ثانياً حتمی و یقینی باشد تا فایده ای از آن عاید اجتماع شود. نتایج افکار بکاریا نیز بدین شرح میباشد: وی قانون گذار را به حذف مجازاتهای شدید فرا می خواند و بخصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی مورد حمله قرار می دهد ولی در جرائم سیاسی آن را می پذیرد. بنابراین به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می دهد اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می کند. بعلاوه قبول حق عفو، الغای شکنجه، محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می داند و در ضمن مجازاتها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد و در واقع او از اولین کسانی بود که به ضرورت سودمندی مجازاتها نظر داشت. در نهایت پیشنهادات بکاریا نیز عبارتند از: الف- اصلاح قوانین: اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها و در نتیجه محدود شدن اختیارات گسترده و خودکامه قضاوت و نیز برقرار شدن مجازاتهای ثابت. ب- شکل رسیدگی: وارد آوردن اتهام به طور مخفی یا شکنجه ممنوع است و جعل مدرک از ناحیه دولت و استفاده غیر اخلاقی رای اثبات بزهکاری باید متوقف شود. ج- در مورد محاکمه و رفتار با متهم: محاکمات باید با سرعت انجام شود و رفتار با مجرمان باید توأم با عطوفت و مهربانی باشد. تشریفات دادرسی باید به طریق اتهامی و علنی و تدافعی باشد. د- در مورد اجرای حکم و اصلاح مجرم: اگر در اعمال مجازاتها بیشتر از زندان استفاده شود برای جامعه و نیز جهت اصلاح مجرم مفید است پس باید برای اصلاح





وضع زندانها کوشید. در ضمن لازم به ذکر است که بکاریا از اشاعه دهندگان اندیشه جدایی حقوق کیفری از دین و حتی از اخلاق فردی است.^۱ (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۵۱)

به طور کلی مکتب کلاسیک، اولین مکتب در حوزه حقوق کیفری بوده است که تحت تاثیر بسیار از مکتب اقتصادی هم دوره خویش بوده است. تا جایی که اصولی حقوقی برگرفته از این مکتب اقتصادی نیز همگی مبتنی بر اصول اقتصادی چون؛ آزادی اقتصادی، آزادی گرایی، اصالت فرد، اصالت مطلوبیت و فایده گرایی مبتنی بوده است. نگاه اقتصادی این مکتب حقوقی در قانون گذاری و ایجاد مجازاتهای متناسب و دربرگیرنده منفعت اجتماعی موثر بوده و همچنین اجرای قانون را متأثر گردانیده است.

جرمی بنتام: فیلسوف انگلیسی متولد ۱۷۴۸ و از پایه گذاران مکتب اصالت سودمندی است. بنتام هم مانند روسو معتقد به نفع اجتماعی مجازات می باشد و در کتاب خود به نام رساله ای در مورد مجازاتها و پاداش ها که در سال ۱۸۱۸ انتشار یافت و در تدوین قوانین کیفری پس از انقلاب فرانسه مفید بود، به مفید بودن کیفر به شرط ضرورت اشاره می کند. به عقیده او افراد را فایده جویی هدایت می کند و انجام جرم نیز به خاطر سود احتمالی است که مجرم آرزومند آن است و اما بزهکار با توجه به مجازات جرمی که قصد انجام آن را دارد به بررسی نفع و ضرر می پردازد و اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد از انجام جرم خودداری می کند. او در حالی که سخت به اجرای مجازات پایبند است، اضافه می کند که هیچ مجازاتی نباید نسنجیده اجرا شود و برای اینکه همگان از آن پند بگیرند، باید از نظر شدت و حتمیت و سایر جهات به درجه ای باشد که سودمندی و ضرورت آن را تضمین کند و در واقع پیشگیری از ارتکاب جرم کند. بنتام برای کیفر دو ارزش قائل می شود: ارزش ظاهری و ارزش واقعی، ارزش ظاهری رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسانها نقش می بندد ولی ارزش واقعی رنج کامل کیفر است

^۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۵۱

، تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می شود. تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار این دانشمندان ، در اواخر قرن ۱۸ میلادی در فرانسه نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی شروع شد . زندان های قدیم پاریس منهدم شدند ،مردم خواستار تجدید نظر و اصلاح قوانین جزایی و حذف مجازاتهای شدید آن عهد شدند. همچنین در قانون جزایی انقلابی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز اصول مهمی چون برقراری اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها ،اصل تساوی مجازاتها و برقراری سیستم مجازاتهای ثابت برای جلوگیری از خودکامگی قضاوت ،حذف عفو پادشاه ،الغای مجازاتهای شدید بدنی و سالب آزادی ، محدودیت مجازات اعدام و ملایمت در مجازاتها ، برقراری سیستم دادرسی به روش اتهامی در محاکمات و امکان حضور هیات منصفه در جریان دادرسی و پیش بینی و تصویب شد .ولی این اصلاحات علی رغم امیدها و انتظارات تدوین کنندگان آن در عمل نتایج مطلوبی به بار نیاورد.^۱ (مصطفی زاده ، تاریخ تحولات حقوق کیفری ، ص ۳۳)

ذهنیت محاسبه گر مجرمانه : نظریه گزینش حسابگرانه که ریشه در اصول علم اقتصاد دارد، بر این باور است که افراد به سان تاجران اقتصادی، در رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل گیری این ایده می شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این رو بزهکاران با تحلیل های هزینه- فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم ترین هزینه ها، به سوی پدیده های مجرمانه روی می آورند. در این رویکرد، بزهکاران به مثابه کنش گران اقتصادی، با سامان دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند.^۲ (الهام ، دانش ناری ، ۱۳۹۳)

^۱ مصطفی زاده ، فهم ، ۱۳۹۵ ، تاریخ تحولات حقوق کیفری ، ص ۳۳

^۲ الهام ، غلامحسین ، دانش ناری ، حمید رضا ، ۱۳۹۳ ، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو ، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی



نظریهٔ گزینش حسابگرانه^۱ یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. در این بستر، انسان‌ها، کنش‌گرانی هستند که بر اساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌نمایند. راهبرد اصلی این نظریه، تکیه بر ساز و کارهایی است که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این نظریه که ریشه در افکار اقتصاد دانان کلاسیک دارد، انسان‌ها را به مثابه کنش‌گران اقتصادی^۲ در نظر می‌گیرد. در این مفهوم، انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. بر اساس اصول کلی این نظریه، تمامی انسان‌ها موجوداتی هدفمند هستند و سلايق خود را بر اساس درجهٔ اهمیت، رتبه‌بندی می‌نمایند. از طرفی بهترین گزینش، زمانی حاصل می‌شود که راهبرد اتخاذی منجر به حداکثر سود شود، اصل حداکثر سود و حداقل هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و ... نیز مطرح می‌گردد. ژرمی بنتام^۳ فیلسوف انگلیسی بر اساس نظریهٔ اصالت لذت، نظریهٔ گزینش حسابگرانه را در قلمرو حقوق کیفری مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نظریهٔ بنتام که ریشه در جرم‌شناسی کلاسیک^۴ دارد، بزهکاران با توجه به رویکردهای هزینه-فایده^۵ روی به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند. بر این اساس چنانچه بزهکاران، منافع حاصل از ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن برآورد نمایند، به‌سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کنند و در نقطهٔ مقابل چنانچه هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم بیشتر از منافع آن باشد، از ارتکاب جرم انصراف می‌دهند. بنابراین بر اساس این نظریه، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی در پی به دست آوردن حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه می‌باشند. بر اساس افکار بنتام و پس از آن، گاری بیکر^۶ اقتصاددان قرن هفدهم،

^۱ Rational choice theory

^۲ Economical actors.

^۳ Gemy Bentham.

^۴ Classic criminology.

^۵ Cost-benefit approaches.

^۶ Gary bicker.

بزهکار فردی است هدفمند و ورود وی به دنیای مجرمیت جهت کسب حداکثر سود است. پیش فرض بنیادین در این نظریه آن است که بزهکار با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌کند.^۱ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

عقلانیت کیفری: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند.^۲ (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

بخش دوم: خلاءهای پژوهشی

از آنجا که این تحقیقات به طور کلی به مجرمین پرداخته است و ذهنیت آنان را مورد توجه قرار داده و در نهایت به ابعاد اقتصادی و حقوقی ذهنیت محاسبه گر مجرمین می‌پردازد و عقلانیت کیفری آنان را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نقش مهم و موثر قوانین کیفری و جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات می‌باشد. قوانین و اجرای آنها، یکی از مهمترین ارکان و عناصر تجزیه تحلیل ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده و جزء جدایی ناپذیر عقلانیت کیفری می‌باشد، لذا با توجه به این خلاء تحقیقاتی، این پژوهش بدین امر مهم پرداخته است.

^۱ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۲ الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)





بخش سوم: چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که این تحقیق به روش کیفی انجام می‌شود از چارچوب نظری که مبنای فرضیه های تحقیق قرار می‌گیرد بی‌نیاز است با این حال پرداختن به مباحث ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و علانیت کیفری به همراه قوانین کیفری جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات برای این پژوهش، چارچوب مفهومی فراهم می‌کند که راهنمای محقق در خوانش و تفسیر داده های جمع آوری شده خواهد بود.

بخش چهارم: روایی و پایایی تحقیق

تحقیق پیش رو در نظر دارد تعریفی جامع و گسترده از ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و عوامل دخیل در انتخاب مجرمانه بر اساس عقلانیت کیفری ارائه نماید. این تعریف میتواند بستر بسیاری از جرایم را تقلیل داده و این رویکرد نظری شناختی میتواند نیمی از مسیر عملی درمانی را پیموده و از این حیث، دارای نوآوری مخصوص به خود میباشد.

بخش پنجم: یافته های تحقیق

بند اول: قوانین جزایی و کیفری

قوانین نقش بسیار مهم و موثری را در انتخاب عقلانی مجرمان دارند. این قوانین هستند که میزان درد و رنج حاصل از اجرای جرم، در ذهن محاسبه گر مجرم را تشکیل میدهند. اگر این قوانین به میزان لازم درد در آینده را برای مجرم تداعی نکنند و یا اصلاً تدابیر قانونی برای ایجاد درد و رنج حاصل از رفتار متجاوزانه نگردند، آنگاه تبدیل به یکی از مهمترین ارکان عقلانیت کیفری و انتخاب ذهنیت مجرمانه محاسبه گر مجرم میشوند.

بند دوم: قوانین مانع

به طور کلی قوانین مانع آن دسته از قوانینی هستند که در جرم انگاری، مجازاتی متناسب را برای رفتار ارتكابی پیش بینی نموده اند. این جرم انگاری مناسب سبب میگردد که بسیاری از مجرمین بالقوه با تفکر به دردهای ناشی از مجازات و عقلانیت کیفری دست به این اقدامات نزده و از ارتكاب به آن دسته از جرایم سر باز زنند. اگرچه همیشه افرادی وجود دارند که این

جرم را انجام می‌دهند و علل مختلف برای ارتکاب جرم آنها وجود دارد ولی طیف وسیعی از افراد و مجرمین بالقوه آن را انتخاب نمی‌کنند ، چرا که دردهای بزرگی برایشان در اثر انتخاب کردن ، در انتظار است . یکی از این جرایم قتل عمد است . مجازات اعدام و قصاص ، دردی بزرگ است و در ذهنیت محاسبه گر مجرمان نقش یک مانع بزرگ را ایفا میکند . لذا تراکم نسبی جرم قتل به میزان زیادی کاهش می یابد و هر کسی که به قتل فکر میکند ، لزوماً آن را انجام ندهد و ارتکاب آن را انتخاب نمی‌کند .

بند سوم: قوانین مداخله گر

عدم وجود قانون و جرم انگاری در موارد خاص استثنایی و یا وجود قوانینی که زمینه و بستر مناسبی می‌باشند که اقدامات مجرمانه ای صورت پذیرد و یا قوانینی که جنبه بازدارندگی ندارند ، جزء دسته قوانینی هستند که در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر ، نقش مداخله گر داشته و در عقلانیت کیفری ، نقش زمینه و بستری مناسب برای ارتکاب افراد به جرم می‌گردند . این دسته از قوانین ، نیاز به اصلاح دارند تا بتوانند با اصلاح مجازات های متناسب ، نقش مانع در عملکرد مجرمان داشته باشند . به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام می‌دهند . آنها در محاسبات خویش ، به قربانی و تفکرات او می‌پردازند . به عنوان مثال تصمیم می‌گیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند . مسلماً مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست می‌دهد ، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن . تا قبل از سال ۹۹ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ، کلاهبرداری جرمی بوده است که جنبه عمومی جرم باعث ورود دادستان برای شروع تعقیب بوده است ولی با توجه به این قانون و در زمره جرایم قابل عفو درآمدن ، این جرم جنبه عمومی خویش را از دست داد و این جرایم تنها با شکایت شاکی خصوصی مورد پیگرد و تعقیب قرار می‌گیرند . با توجه به اینکه قربانیان و طعمه های این مجرمین ، هزینه فرصت انجام می‌دهند ، تعداد بسیاری از شکایت صرف نظر میکنند و این



مجرمین با خیال راحت تر میتوانند دست به ارتکاب آزادانه جرم بزنند ، بدون اینکه نگران تعقیب قضایی از ناحیه دادستان باشند .

بند چهارم: نحوه اجرای مجازات ها

اجرای مجازاتها و قوانین جزایی و کیفری از دیگر مواردی است که در ذهنیت محاسبه گرم مجرمانه و عقلانیت کیفری او نقش به سزایی دارد . اجرای مجازات یکی از مهمترین اصولی است که مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف کیفری در طول تاریخ تحولات حقوق کیفری بوده است . نحوه اجرای مجازات ها ، ثابت نبودن مجازات ها و متغیر بودن آنها و نسبی بودن آنها نسبه به اشخاص از جمله عواملی است که در محاسبه ذهنیت مجرمانه نقشی منفی را ایفا میکند . اکنون به سه محور از اساسی ترین محورهای اجرای مجازاتها پرداخته میگردد که در عقلانیت کیفری بسیار مهم و موثر میباشند .

بند پنجم: سرعت اجرای مجازات

وجود تشریفات پیچیده آیین دادرسی کیفری و اطاله زمان در دادرسی یک پرونده و گذر از مراحل طولانی و طاقت فرسای دادرسی کیفری از جمله مواردی است که در زمینه افزایش آمار جرم بسیار تاثیر گذار بوده است و نقش رکن اساسی در ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را دارد . به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند . آنها در محاسبات خویش ، به قربانی و تفکرات او میپردازند . به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند . مسلما مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد ، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن . ولی اولین گزینه ای که او مد نظر قرار میدهد ، طولانی بودن دادرسی است . او با خود میگوید حتی اگر موفق به تعقیب و دستگیری متهم گردم ، و حتی اگر قرار باشد به نتیجه نیز برسم ، علاوه بر هزینه هایی که انجام داده ام ، زمان زیادی را بایستی صرف کنم تا به نتیجه برسم . یک پرونده کیفری ، مراحل قضایی طولانی را طی میکند

از شروع به تعقیب متهم، مراحل مختلف برای دستگیری وی، بعد جمع آوری ادله اثبات و مراحل کارشناسی، گذراندن مراحل بازجویی و بازپرسی مقامات قضایی، سپس صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، بعد جلسات دادگاه و رسیدگی و انواع اعتراضات و کارشناسیهای مختلف، بعد صدور به حکم، اعتراض به آرا و تجدید نظر، در مواردی ارجاع پرونده به دیوان عالی و حتی گاهی رسیدگی مجدد، بعد از این مراحل قطعیت حکم و سرانجام اجرای احکام صادره قطعی شده. مراحل فوق الذکر در مورد یک پرونده گاهی سالها به طول می انجامد. طولانی شدن این رسیدگی از جمله مواردی است که به کمک مجرمین آمده و نقش موثر و حمایتی در تصمیمی گیری عقلانی آنها ایفا مینماید.

بند ششم: قطعیت و حتمیت اجرای مجازات

قطعیت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر قطعیت اجرای آن از طریق حذف یا به حداقل رساندن موانع اجرای کیفرها بیافزاییم، از شمار جرائم کاسته ایم. در مورد اصل تأثیرگذاری دو عنصر شدت و قطعیت در مجازاتها در بازداری از جرم، اختلاف است. به طوری که در برهه ای شدت کیفرها در جایگاه والائری قرار گرفته است و در برهه ای دیگر این قطعیت است که توجه بیشتری را معطوف خود ساخته است. عده ای نیز جایگاه این دو عنصر را برابر دانسته و حکم به تأثیر یکسان آن ها در بازداشتن و پیشگیری از جرم داده اند و سرانجام این که برخی دیگر، بررسی کلی این موضوع را بدون تمایزگذاری بین جرائم مختلف و مجرمان متفاوت، نادرست دانسته و نسبت اثرگذاری این دو عنصر را در موارد گوناگون متفاوت یافته اند. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجه مجازات و کارکردهایش در توجه مجازات، نظریه ی « بازدارندگی مجازات » یکی از کهن ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می گیریم که قطعیت مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات ها مجازاتی است که از حتمیت و قطعیت برخوردار است زیرا اختیار قاضی در کم یا زیاد کردن آن کم است. میزان





قطعیّت و حتمیّت مجازات‌ها از جمله عواملی است که در معادلات عقلانیّت کیفری مجرمان نقش موثری دارد.^۱ (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند هفتم: شدت اجرای مجازات

شدت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر شدت کیفر از طریق بالا بردن میزان درد و رنج حاصل از اجرای آن، از شمار جرائم کاسته ایم. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش در توجیه مجازات، نظریه‌ی «بازدارندگی مجازات» یکی از کهن‌ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می‌گیریم که شدت اجرای مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات‌ها مجازاتی است که از شدت لازم برخوردار است. هر چه مجازات شدیدتر باشد، در نظریه ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه بتنام، میزان ارتکاب به جرایم به شکل چشم‌گیری کاهش می‌یابد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بخش ششم: ساختار مجرمیت و مجازات در پیشگیری از جرم

نظریه گزینش حسابگرانه نشأت‌گرفته از افکار فایده‌باورانی چون بکاریا^۲ و بتنام است. بکاریا در رساله جرائم و مجازات‌ها^۳ بر این باور است که انسان‌ها حسابگرند. بتنام نیز در کتاب اصول اخلاقی و قانون‌گذاری معتقد است، بزهکاران بالقوه، هزینه‌ها و فواید حاصل از ارتکاب جرم را قبل از ارتکاب بزه محاسبه می‌نمایند. (گربر و جانسون، ۲۰۰۷: ۲۴۸).^۴ این ایده که انسان‌ها با انگیزه کسب حداکثر سود، اعمال خود را سامان می‌دهند، ریشه در اصول علم اقتصاد دارد. گری بیکر برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که جز در موارد استثنایی چون بزهکاران مجنون، دیگر بزهکاران با سنجش هزینه‌ها و فواید ارتکاب جرم و به‌کارگیری

^۱ جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیّت اجرای کیفر در حقوق ایران.

^۲ Beccaria.

^۳ On crime and punishment.

^۴ Gerber and Jensen



تحلیل‌های هزینه-فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد.^۱ (سیگل، ۲۰۱۱: ۸۴) آدم اسمیت^۲ اقتصاددان اسکاتلندی قرن هفدهم نیز نظریه‌های اقتصادی خویش را بر اساس نظریهٔ گزینش حسابگرانه تبیین می‌کند. وی معتقد است انسان‌ها به واسطهٔ نیروی عقلانی و بر اساس سلايق شخصی، قادرند حداکثر سود را در روابط اجتماعی و اقتصادی خویش به دست آورند (اومس، ۲۰۰۰: ۳).^۳ نظریهٔ گزینش حسابگرانه در بسترهای علوم اجتماعی نیز بر این پیش‌فرض استوار است که کنش گران اجتماعی با تمرکز بر فواید حاصل از ارتباط با دیگران، به دنبال کسب حداکثر سود هستند (هدستورم، ۲۰۰۴: ۶).^۴ بنابراین در قلمرو حقوق کیفری، نقطهٔ آغازین نظریهٔ گزینش حسابگرانه، معقول و محاسبه‌گر پنداشتن بزهکاران است. بر این اساس رفتارهای مجرمانه محصول نهایی تصمیمات حسابگرانهٔ بزهکاران است. بنابراین جرم محصول انتخاب افراد است و تصمیمات جنایی محصول محاسبه به شمار می‌آیند. در این نظریه، بزهکار به‌عنوان یک انسان حسابگر و معقول ترسیم و مطالعه می‌شود. بنابراین رفتارهای جنایی در این بستر، محصول تفکر و برنامه‌ریزی دقیق بزهکاران است. رویه‌های حسابگرانه، نه تنها تصمیم به ارتکاب جرم را از جنبهٔ عوامل شخصی^۵ مورد بررسی قرار می‌دهد، بلکه عوامل وضعی^۶ را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. عوامل شخص ناظر بر اهداف خاص بزهکار چون کسب مال، انتقام و ... است. عوامل وضعی نیز آماج مناسب، تدابیر امنیتی اتخاذی توسط بزهکار و احتمال حضور نیروهای پلیس را دربرمی‌گیرد. بر این اساس بزهکار قبل از ارتکاب جرم با سنجش متغیرهای مختلفی چون احتمال موفقیت، احتمال تعقیب، شدت کیفر احتمالی، احتمال عفو و ... به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهد کرد. از این‌رو چنانچه منافع حاصل از ارتکاب جرم بیش از هزینه‌های آن باشد، بزهکاران بالقوه^۷، آماج مناسب^۱ را قربانی اعمال

^۱ Siegel

^۲ Adam smith.

^۳ Ooms

^۴ hedstorm

^۵ Personal factors

^۶ Situational factors

^۷ Likely offenders



خود می‌نمایند. بنابراین بزه‌کاران قبل از ارتکاب جرم، به‌طور نظام‌مند عمل می‌کنند. شرط ورود بزه‌کاران به دنیای جرم، کسب منافع بالا با خطر پایین است. در مقابل بزه‌کاران بالقوه با سنجش احتمال تعقیب و محکومیت، ترس از پیامدهای کیفری، احساس شرم و گناه و ... از ارتکاب جرم انصراف خواهند داد. با توجه به مطالب فوق، می‌توان عناصر بنیادی^۲ نظریه گزینش حسابگرانه را تبیین نمود.^۳ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

ساختار مجرمیت^۴ و ارزیابی تجربیات شخصی^۵: بزه‌کاران بالقوه پیش از ارتکاب جرم و با توجه به ساخت مجرمیت با ملاک قرار دادن تجربیات شخصی خود، به پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. توجه به رویکردهای هزینه-فایده، این نتیجه منطقی را در پی دارد که بزه‌کاران به سوی جرائمی پیش روند که سابقه ارتکاب آنان را داشته‌اند. بر این اساس بزه‌کاران با وجود تجربیات شخصی در ارتکاب یک جرم و کسب مهارت لازم، شیوه‌های مختلف ارتکاب جرم و راه‌های گریز از خطرات ممکن را دریافته‌اند. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳) بر این اساس بزه‌کاران با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، با ملاک قرار دادن تجربیات شخصی خود به سوی پدیده‌های مجرمانه‌ای می‌روند که سابقه ارتکاب آنان را داشته‌اند. حال با تبیین نظریه کلاسیک گزینش حسابگرانه، کارکرد این نظریه را در جرم‌شناسی مدرن^۶ مورد بررسی قرار می‌دهیم. در سیر تحول حقوق کیفری، اندیشمندان جنبش‌های مختلفی را به‌عنوان رویکرد غالب مدنظر قرار داده‌اند. در دوره کلاسیک حقوق کیفری و متأثر از نظریه گزینش حسابگرانه، رویکرد غالب، رویکرد، بزه محوری^۷ بود. اساس

¹ Suitable targets

² Basic elements.

^۳ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

⁴ The structure of criminality

⁵ Personal experience evaluation

⁶ Modern criminology.

⁷ Crime-related approach

این رویکرد بر سزا دهی^۱ و بازدارندگی^۲ استوار بود. شکست تدابیر سزا گرایانه، سکولار شدن حقوق کیفری^۳ و نیز تفکرات جرم شناختی موجب چیرگی رویکرد بزهکار محور^۴ گردید. به تبع تغییر رویکرد بزه محوری به بزهکار محوری، عدالت بازپرورانه^۵ جانشین عدالت استحقاقی^۶ گردید. اما با آغاز دهه ۷۰ میلادی مارتینسون^۷ با انتشار مقاله «چه چیز کارساز می‌افتد»^۸، نشان داد که برنامه‌های اصلاح و بازپذیرسازی بزهکاران با شکست مواجه گردیده است. (گربر و جانسون، ۲۰۰۷: ۲۴۸) پژوهش‌های جرم شناسانه دهه ۷۰ میلادی نیز ناکارآمد بودن نظام اصلاح و تربیت را اثبات نموده است. در سال ۱۹۷۴ در نیویورک گروهی از محققان اعلام نمودند که با استثنائاتی جزئی و ناچیز، تلاش‌ها برای باز پذیری، هیچ‌گونه تأثیری بر پیشگیری از تکرار جرم نداشته است. (غلامی، ۱۳۷۸: ۹) بنابراین با ظهور افکار سزاگرایانه و جنبش بازگشت به کیفر در دهه ۷۰ خصوصاً تفکر «هیچ چیز مؤثر نیست»^۹، نظریه گزینش حسابگرانه، حیات نوینی یافت. از آن پس، این اندیشه تقویت شد که بزهکار فردی است که با ملاحظه‌های سودجویانه به فعالیت‌های مجرمانه روی می‌آورد و از این رو مستحق کیفر است. اوج این تفکر در کتاب «تفکری در مورد جرم»^{۱۰} ویلسون^{۱۱} مشاهده می‌شود. وی در تبیین جنبش بازگشت به کیفر، احیای سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه^{۱۲} را ناشی از

¹ Retribution.

² Deterrence.

³ Schoolarization of criminal law.

⁴ Offender-oriented approach.

⁵ Reintegrative justice.

⁶ Just desert.

⁷ Martinson.

⁸ What works.

⁹ Nothing works.

¹⁰ Thinking about crime.

¹¹ Wilson.

¹² Tough penal policy.



بازتولید نظریه گزینش حسابگرانه و اصل اراده آزاد قلمداد کرده است. (ویلسون، ۱۹۸۳: ۷) بنابراین تصویب قوانینی چون قانون سه ضربه^۱ و سیاست جنگ با مواد مخدر^۲ در نظام حقوق آمریکا را می‌توان ناشی از احیای نظریه گزینش حسابگرانه به شمار آورد. از این رو یکی از اثرات این نظریه در جرم‌شناسی مدرن در سیاست کیفری سخت‌گیرانه در کشورهای غربی متبلور می‌گردد. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳) اثر دیگر نظریه گزینش حسابگرانه در جرم‌شناسی مدرن، ظهور گفتمان پیشگیری وضعی^۳ مبتنی بر نظریه فعالیت‌های روزمره است. ^۴ بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره در صورت جمع سه عامل، احتمال ارتکاب جرم، به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد. این سه عامل عبارتند از: ۱- آماج مناسب، ۲- بزهکاران بالقوه، ۳- فقدان سرپرست یا محافظ^۵. (جان مونسی، ۲۰۰۱: ۲۳۵) ^۶ نظریه فعالیت‌های روزمره بر این باور است که در صورت وجود سه عامل فوق، بستر لازم جهت ارتکاب جرم فراهم می‌شود. بر اساس این نظریه، بزهکاران به مثابه تاجران اقتصادی، با سنجش عوامل فوق روی به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند. چنانچه بزهکاران بالقوه، آماج مناسب را بدون محافظ مورد شناسایی قرار دهند با تحلیل‌های هزینه-فایده، به سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌نمایند. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

تدابیر پیشگیری وضعی متأثر از نظریه فعالیت‌های روزمره در پی بالا بردن هزینه‌های ارتکاب جرم است تا از این طریق بزهکار بالقوه را از ورود به دنیای جرم منصرف سازد. تدابیر پیشگیری وضعی از طریق مقاوم‌سازی آماج جرم^۷ به طرق مختلفی چون استفاده از درب‌های الکترونیکی و لمسی، استفاده از دزدگیرها و ... سهولت دسترسی به آماج جرم را با چالش

¹ three strikes and then you are out:

² War on drug:

³ Situational crime prevention

⁴ Routine activities theory

⁵ No guardian

⁶ John Muncie

⁷ Harden targeting.

مواجه سازد. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳) از طرف دیگر یکی از راهبردهای موجود در نظریه پیشگیری وضعی استفاده از نگهبانان دولتی یا خصوصی است. این امر به واسطه گشت‌های انتظامی یا نگهبانان محلی خصوصی تضمین می‌شود. بنابراین تدابیر پیشگیری وضعی در پی بالا بردن هزینه‌های جرم و کاستن از منافع آن است، راهبردی که موجب می‌گردد بزهکاران بالقوه از ارتکاب جرم انصراف دهند. بنابراین با تبیین کامل نظریه گزینش حسابگرانه و تأثیر آن بر جرم‌شناسی مدرن، این نظریه را بر اساس نوع جرائم و مجرمین مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه گیری

به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه می‌گیریم که مجازات‌ها و نحوه اجرای آنها از جمله عوامل مهم و موثر در پیشگیری از جرایم مختلف می‌باشد. مجازات‌ها با نقشی که معادله معروف مجرمانه جرمی بن‌تام ایفا می‌کنند، در تصمیم‌گیری مجرمانه جهت ارتکاب جرم موثر هستند. میزان و شدت مجازات‌ها و نحوه اجرای آنها و میزان قطعیت و حتمیت در اجرای آنها از عواملی بوده است که در پیشگیری‌های ثانویه و پیشگیری‌های ظاهری در جرم در مجرمین بالقوه بسیار اثرگذار بوده است. هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازات‌ها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم‌گیری می‌کند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم می‌پردازد، قوانین کیفری کشور می‌باشد. بنا بر این نظریه، قوانین مجازات‌های قانونی، نیمه دیگر این محاسبه‌گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب می‌تواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری می‌باشند که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم‌گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره می‌جویند و اعمال



خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است ، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

ب) پیشنهادات

مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که بر شدت و قطعیت و حتمیت مجازاتها افزوده گردد و در مقام تقنین و قانون گذاری ، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد . به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین با عقلانیت کیفری نتوانند جرمی را انجام دهند و در ذهنیت خود برای ارتکاب یک جرم با چالشهای بزرگ و اساسی مواجه باشند . سپس پیشنهاد میگردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم ، زمینه رشد و نمو مجرمین به حداقل ممکن برسد .



منابع و مأخذ

- ۱- مصطفی زاده ، فهیم ، ۱۳۹۵ ، تاریخ تحولات حقوق کیفری ، ص ۲۳
- ۲- ملک محمدی ، حمید رضا ، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز ، ۱۳۹۸ ، ص ۴۹
- ۳- الهام ، غلامحسین ، دانش ناری ، حمید رضا ، ۱۳۹۳ ، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی
- ۴- الله وردی ، فرهاد ، محرابی ، علی ، ۱۳۹۸ ، عقلانیت جنایی؛ محدودیت ها و چالش ها (با تأکید بر جرائم خشونت بار)
- ۵- صادقی فسایی ، سهیلا ، پروین ، ستار ، ۱۳۹۰ ، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت ، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی
- ۶- حبیب زاده ، محمد جعفر ، صادقی ، ولی الله ، ۱۳۹۹ ، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران
- ۷- جانی پور ، کرم ، محمدی ، مرضیه ، ۱۳۹۴ ، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران .
- ۸- یاری حاج عطالو ، رحیم ؛ ۱۳۹۲ ، سیاستهای جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تأکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس ، مقاله ۱ ، دوره ۴ ، شماره ۱۴ ، تابستان ۱۳۹۲ ، صص ۱۱ تا ۳۴.
- ۹- حبیب زاده مومن ، بهنام ؛ وروایی ، اکبر ؛ ۱۳۹۶ ؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید ، فصلنامه علوم اجتماعی شوستر ، سال یازدهم ، زمستان ۱۳۹۶ .
- ۱۰- موسوی مجاب ، سید درید ، ۱۳۸۳ ، بزهکاران یقه سفید ، فلصنامه مدرس علوم انسانی ، دوره ۳ ، شماره ۸ ، پاییز ۱۳۸۳ .
- ۱۱- نصیری ، مصطفی ؛ ۱۳۹۳ ، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری ، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه ، دوره ۷ ، پاییز ۱۳۹۳ .



- ۱۲- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۱۳- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفساد اقتصادی شبکه‌ای در اقتصاد ایران، انتشارات برتراندیشان.
- ۱۴- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه‌ای، انتشارات جهش یادگیری.